

نقد و ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی

مرضیه عالی*

رضوان حسین‌قلی زاده**

چکیده

هدف اصلی این مقاله، تبیین ضرورت بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در دوره کارشناسی - با نظر به سهم علوم مختلف در تحقق اهداف این رشته و انطباق با شاخه‌های تخصصی آن در دوره کارشناسی ارشد و دکتری است. بنابراین، با استناد به برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی - تعداد واحدهای درسی و تناسب آنها با ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد و پیوستگی محتوایی بین دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از نسبت نامتوازن سهم علوم مختلف در برنامه درسی این گرایش است. در این میان، سهم روان‌شناسی در دروس پایه دوره کارشناسی در مقایسه با سایر علوم زیربنایی دیگر مانند فلسفه و جامعه‌شناسی بیشتر است. به طور کلی، عدم توازن، عدم انطباق و ناپیوستگی در برنامه درسی کارشناسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - در دو رشته مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری از چالش‌های اساسی نظام علوم تربیتی به شمار می‌آید. بر این اساس، بازاندیشی و بازنگری در برنامه درسی این رشته، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، علوم تربیتی، برنامه درسی، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت - دانشگاه فردوسی

** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی - دانشگاه تهران (مسئول مکاتبات: rhgholizadeh@yahoo.com)

مقدمه

رشته علوم تربیتی در کشور ما از نظر مفهوم و مصداق، با تأسیس نخستین نهاد تربیت معلم به سبک جدید، یعنی دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۲۹۷ بکار رفته است و تا سال ۱۳۴۳، سال تأسیس دانشکده علوم تربیتی در دانشگاه تهران در کنار رشته‌های فلسفه و جامعه‌شناسی تدریس می‌شده است. در واقع، ابعاد این رشته تخصصی با عنوان درجه دانشگاهی (لیسانس و فوق لیسانس) نیز در دهه چهل یعنی از سال ۱۳۴۳ به بعد صورت گرفته است (کاردان، ۱۳۸۰: ۳۱). علاوه بر جوانی، این علوم دارای ابعاد و ویژگی دیگری نیز می‌باشد و آن وابستگی به فرهنگ هر جامعه و پیروی از سیاستی است که در آنجا حکم فرماست. بنابراین، رشد آن وابسته به اهمیتی است که مردم هر جامعه برای تربیت و پیشرفت آن قائلند و نیز حمایتی است که سیاستمداران از علم به طور کلی و از علوم انسانی به ویژه علوم تربیتی ابراز می‌دارند.

گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های رشته علوم تربیتی، برای اولین بار در سال ۱۳۴۶ در دانشگاه تربیت معلم تهران در دوره کارشناسی و در سالهای ۵۲-۵۰ در دانشگاه تهران در دوره کارشناسی ارشد و سپس دکتری در گرایش‌های مختلف راه‌اندازی شد. سپس، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۳ به منظور تربیت و تأمین مدیران کارآمد و متعهد برای سازمان‌های مختلف آموزشی بر ضرورت راه‌اندازی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در حوزه علوم تربیتی افزوده شد تا از این طریق مدیرانی با بینش‌ها، شناخت‌ها و مهارت‌های لازم برای آموزش و پرورش کشور تربیت شوند. از آنجا که تربیت این مدیران به دوره کارشناسی محدود نمی‌شود و کسب تخصص بیشتر در این زمینه مستلزم تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد، بنابراین، امکان ادامه تحصیل در هفت گرایش برای دانش‌آموختگان گرایش‌های مختلف علوم تربیتی (مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، فلسفه آموزش و پرورش، آموزش بزرگسالان، تحقیقات آموزشی، تکنولوژی آموزشی) وجود دارد و گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی نیز از همین امکان برخوردار است. به واقع، تخصصی شدن رشته علوم تربیتی و گسترش آن در گرایش‌های گوناگون و متعدد بر پیچیدگی وضعیت‌ها و پدیده‌هایی که به قلمرو تربیت مربوط است، دلالت دارد. لذا، برای شناخت عواملی که در تربیت دخیل‌اند و روابط یا قوانینی که بر مجموعه نظام تربیتی حکم فرماست، شمار بزرگی از علوم را به استمداد طلبیده است.

به‌رغم استمداد طلبی از علوم مختلف در تدوین برنامه درسی علوم تربیتی، به همان اندازه که غنای محتوای برنامه درسی در تربیت متخصصان مربوطه را موجب می‌شود، زمینه ساز چالش‌های اساسی و جدی درخصوص چگونگی سازماندهی مواد، برقراری توالی و یکپارچگی محتوایی است. در همین زمینه مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته، حکایت از این مهم دارد. چنانکه مطالعه موسی‌پور و شعبانی ورکی (۱۳۷۶) در ارزیابی برنامه درسی مقطع دکتری رشته‌های علوم تربیتی در ایران گواهی بر این ادعاست. بر اساس نتایج این تحقیق، برنامه درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی (۱۳۶۶/۷/۱۱) برای تربیت پژوهشگران در حوزه علوم تربیتی ناکافی و نامناسب گزارش شده است. کم توجهی به رغبت‌ها، گرایش‌ها و تفاوت‌های فردی دانشجویان در برنامه درسی و کم توجهی به تربیت تخصصی دانش‌آموختگان رشته‌های موردنظر را می‌توان از جمله مشکلات ذکر شده در این پژوهش برشمرد. در پژوهشی دیگر که در همین زمینه توسط عارفی با عنوان ارزیابی برنامه‌ریزی درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی) در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان، متخصصان و کارفرمایان در دانشگاه شهید بهشتی صورت گرفته، فرضیاتی در ارتباط با وضع موجود و مطلوب اهداف و محتوا و روش آموزش و روش ارزش‌یابی آموخته‌ها مطرح گردیده است. یافته‌های این مطالعه نشان داده است که کلیه فرضیه‌های مطرح شده در ارتباط با وضع موجود و مطلوب برنامه در هر سه دوره تحصیلی با تفاوت‌های اندک، مورد تایید قرار گرفته است. به طور کلی، وضع موجود برنامه‌های درسی در هر سه دوره، پاسخگوی شرایط و نیازها نیست. ولی ضرورت تجدید نظر و بهبود برنامه درسی دوره کارشناسی از حیث ساختار، روش آموزش و روش ارزشیابی آموخته‌ها، بیش از دوره کارشناسی ارشد و دکتری است.

آنچه مسلم است، این است که دروس تدارک دیده شده برای این رشته در مقطع کارشناسی، نیازمند جامعیتی است که بتواند پایه‌های علمی، به ویژه جهت‌گیری تخصصی لازم را برای دانشجویان علاقه‌مند به ادامه تحصیل در گرایش‌های متعدد این رشته فراهم آورد. به عبارت دقیق‌تر، تمایل به ادامه تحصیل و قوت و ضعف آن وابسته به کم و کیف برنامه درسی، دروس و سرفصل‌های پیش‌بینی شده جهت تحصیل در دوره کارشناسی است. اساساً، یکی از دغدغه‌های اصلی دانشجویان این رشته در پایان دوره کارشناسی، این است که چگونه علایق تخصصی خود را با تکیه بر دروس گذرانده شده در دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، یعنی

کارشناسی ارشد و دکتری هدایت نمایند. در دانشگاه‌های مختلف سراسر دنیا، نگرش‌های مختلفی به برنامه‌ریزی درسی برای این رشته وجود دارد. به طور نمونه، در دانشگاه کلمبیا و شیکاگو گرایش به سمت برنامه درسی هسته‌ای است و در برنامه‌ریزی درسی سعی بر آن است که دانشی عمومی در اختیار دانشجویان قرار گیرد، اما در دانشگاه هاروارد گرایش به سمت انتخاب آزاد دروس توسط دانشجویان و توجه به علایق آنها است (دینا، ۲۰۰۶: ۷۸)، اما، در اغلب دانشگاه‌ها ایجاد توازن بین این دو نگرش به چشم می‌خورد. به طوری که علاوه بر توجه به علایق دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی، برای آنکه فعالیت‌ها و تجارب یادگیری اثر مضاعف و یکپارچه‌ای داشته باشد، برنامه درسی چنان تنظیم می‌شود که برنامه‌های هماهنگ و منسجم به دست آید (کلی، ۲۰۰۹: ۱۰). بنابراین ضرورت دارد، شیوه سازمان دادن تجارب و فعالیت‌های یادگیری به صورت مجموعه‌ای از واحدها، درس‌ها و برنامه‌ها مورد بحث قرار گیرد.

معیارهای انتخاب محتوا

فتحی و اجارگاه (۱۳۸۱) مراحل برنامه‌ریزی درسی را متضمن نیازسنجی و تعیین هدف در برنامه‌ریزی درسی، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش تدریس، اجرای برنامه درسی و ارزشیابی برنامه درسی می‌داند. نخستین گام برای تحقق هدف، انتخاب محتوای آموزشی مناسب و مطلوب است. چون هدف‌ها به وسیله محتوا تأمین می‌شوند، توجه به انتخاب محتوا همیشه به عنوان یک عنصر مهم برنامه درسی مدنظر بوده است. بنابراین، محتوا عبارت است از: مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه ریزان به قصد تحقق هدف‌هایی انتخاب و سازماندهی می‌شود (ملکی، ۱۳۸۰: ۸۳-۸۲).

معیارهای انتخاب محتوا بسیارند که اهم این معیارها عبارتند از: اهمیت، اعتبار و صحت، علاقه فراگیر، سودمندی و کاربرد مفید، قابلیت یادگیری فراگیر و انعطاف پذیری محتوا با توجه به زمان تخصیص یافته، منابع قابل دسترس و فضای سیاسی موجود. هیلدا تابا^۱ نیز معتقد است که محتوای برنامه درسی باید با حقایق اجتماعی و فرهنگی همراه و هماهنگ باشد، از لحاظ عمق و وسعت متعادل باشد، بتواند

1. Hilda Taba

هدف‌های تربیتی را در میدان وسیع تحقق بخشد، یادگیری آن ممکن باشد، با نیازها و رغبت‌های یادگیرندگان متناسب باشد (شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۵۹۴).

محتوای برنامه درسی به هر شکل که ارائه گردد، در سازماندهی آن نیز باید اصولی به کار گرفته شود تا برنامه‌ای فراهم آید که هر کدام از فعالیت‌های یادگیری، دیگری را تقویت کنند (موسی پور، ۱۳۸۲: ۱۱۹). سازمان دادن تجارب یادگیری، مسأله مهمی در تنظیم برنامه‌های درسی است. زیرا روی کارایی آموزش و میزان تغییراتی که از نظر آموزش و پرورش در یادگیرنده باید به وجود آید تأثیر بسیاری دارد (تایلر، ۱۳۷۶: ۹۹). اصولی که در سازماندهی محتوای برنامه درسی باید رعایت شود، فراوان هستند که برخی از آنها به کلیه فعالیت‌های سازماندهی جهت می‌دهد. از جمله این اصول می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) **توالی:** توالی با مداومت ارتباط دارد و به عنوان ملاک سازماندهی فعالیت‌های یادگیری، بر اهمیت تنظیم هر تجربه بر تجربه قبلی تأکید می‌کند. به طوری که مواد و مطالب تجربه بعدی از نظر عمق و وسعت، بیشتر از تجربه قبلی باشد (تایلر، ۱۳۷۶: ۱۰۱) و مقصود آن نوعی از ترتیب است که امر یادگیری را با توجه به رشد و تکامل یادگیرنده، به ویژه رشد ذهنی و شناختی وی تسهیل نماید و پایه‌ای برای یادگیری‌های بعدی باشد (پور ظهیر، ۱۳۶۹: ۶۴).

(۲) **مداومت:** این اصل به اصل پیشین (توالی) مربوط است و چگونگی ادامه فعالیت‌های یادگیری را در طول دوره تحصیلی تعیین می‌کند. استمرار ممکن است عمودی باشد و تداومی را که براساس آن تجربیات معینی در طول دوره‌های زمانی برای آموزش ارائه می‌شوند تعیین کند. همچنین استمرار می‌تواند افقی باشد و استمرار یک تجربه خاص را در یک روز فعالیت مدرسه را در بر گیرد (ملکی، ۱۳۸۳: ۲۳۲) بنابراین طبق این اصل برنامه‌ریزی برای گسترش یادگیری تراکمی، شامل پیش بینی محتوا و فعالیت‌های یادگیری به منظور ایجاد حرکت از یک سطح از پیچیدگی به سطح بالاتر و از مفاهیم ساده به افکار پیچیده‌تر و عمیق‌تر است (تایلر، ۱۳۷۶: ۳۴).

(۳) **وحدت:** ملاک یگانگی به عنوان ملاکی برای سازمان دادن برنامه درسی به صورتهای متفاوتی تعریف شده است. برخی تعاریف روی روابط افقی حوزه‌ها و محتوای برنامه درسی با یکدیگر تأکید دارند و برخی دیگر بر سازماندهی عمودی. اما آنچه از مجموع این دیدگاه‌ها می‌توان استنباط کرد، آن است که ملاک یگانگی به طور کلی بر سازمان دادن محتوا و فعالیت‌های یادگیری دلالت دارد. به نحوی که به

یادگیرنده در به دست آوردن وحدت نظر و رفتار در رابطه با عناصری که با آنها سرو کار دارد، بطور فزاینده‌ای کمک کند (پورظهیر، ۱۳۶۹: ۶۷). بنابراین سازماندهی فعالیت‌ها باید به گونه‌ای باشد که به فراگیران در به دست آوردن وحدت نظر و رفتار در رابطه با عناصری که با آنها سرو کار دارد کمک کند (تایلر، ۱۳۷۶: ۵۴).

مع ذالک، با نظر به ملاک‌های مورد وصف، سؤال‌هایی از این قبیل مطرح می‌شوند: آیا اساساً برنامه درسی علوم تربیتی در دوره کارشناسی، با اتکاء بر ملاک‌های فوق، توانسته است قابلیت‌های لازم را برای انتخاب رشته تخصصی مورد علاقه دانشجویان ایجاد کند؟ آیا توازن منطقی بین حوزه‌های مختلف علمی (مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، فلسفه و...) در برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - وجود دارد تا دانش‌آموختگان این دوره را در تعیین جهت‌گیری مشخص برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر هدایت کند؟ یا اینکه ناگزیر است به منابع دیگری رجوع کند تا شناختی که در طی دوره تحصیلی حاصل نموده است، به دست آورد؟ و در نهایت آنکه آیا بین دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته علوم تربیتی با گرایش‌های مختلف پیوستگی وجود دارد؟ و ...

با توجه به مراتب فوق، سه سؤال اساسی می‌توان مطرح نمود که:

۱. جایگاه علوم مختلف در برنامه درسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - چگونه است؟
۲. با تکیه بر تعداد واحدهای درسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - تناسب بین واحدهای درسی اصلی و تخصصی دوره کارشناسی با ضرایب دروس مرتبط با آنها در آزمون کارشناسی ارشد چگونه است؟
۳. آیا پیوستگی محتوایی بین دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در گرایش‌های مختلف این رشته وجود دارد؟

روش

برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. برای این منظور، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مصوب جلسه ۲۶۷ مورخ ۷۲/۸/۳۰

شورای عالی برنامه‌ریزی - انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. جدول (۱) تعداد کل واحدهای درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول (۱) تعداد واحدهای درسی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد

دوره کارشناسی	دوره کارشناسی ارشد	دوره دکتری	
۶۱	۱۱	۲۴	دروس اصلی (پایه)
۴۴	۲۲ + ۴ واحد پایان نامه	۲۲	دروس تخصصی
۱۲	---	۲	دروس اختیاری
۲۰	---	---	دروس عمومی
۱۳۷	۳۷	۴۸	کل

بنابراین، از مجموع گرایش‌های مختلف رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - دو گرایش مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - مشتمل بر هفت زیرشاخه اصلی مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش بزرگسالان، تحقیقات آموزشی، تکنولوژی آموزشی است که از این مجموع، گرایش‌های مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت، به صورت تخصصی‌تر در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برگزار می‌شوند. در این میان، دو زیرشاخه مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت با نظر به تعدادهای واحدهای اختصاص یافته به آنها در دوره کارشناسی (مدیریت آموزشی با اختصاص بیشترین تعداد واحد درسی و فلسفه تعلیم و تربیت با اختصاص کمترین تعداد واحد درسی)، میزان تناسب ضرایب مواد امتحانی در آزمون کارشناسی ارشد با تعداد واحدهای درسی دوره کارشناسی و نیز میزان پیوستگی محتوایی بین واحدهای درسی ارائه شده در دوره کارشناسی به عنوان مقدمات ورود به حوزه تخصصی این زیرشاخه‌ها در مقاطع بالاتر انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت.

بنابراین، به منظور تحلیل محتوی برنامه درسی دو زیرشاخه مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت، مجموعه دروس دوره کارشناسی بر مبنای عناوین دروس اصلی و تخصصی در شش مقوله اصلی روان‌شناسی، آموزش و پرورش، مدیریت، جامعه

شناسی، اقتصاد و فلسفه طبقه‌بندی شدند. علاوه بر مقوله‌ها، واحدهای زمینه و ثبت نیز مشخص شدند. در این مقاله، محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به منزله واحدهای زمینه که واحد در آن ظاهر می‌شود و موضوع به عنوان واحد ثبت مورد نظر قرار گرفتند. لذا، از واحد موضوع به عنوان واحد ثبت استفاده شد. سپس واحدهای زمینه که واحدهای ثبت در آن نمایان می‌شوند، مشخص شدند. واحد زمینه، وسیع‌ترین متن محتوی است که برای مشخص کردن واحد ثبت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله، برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - و کارشناسی ارشد رشته‌های مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت به منزله واحد زمینه در نظر گرفته شده‌اند. لذا، به منظور تحلیل واحدها فرمی تحت عنوان «برگه داده‌ها» طراحی شد که در آن انواع مقوله‌ها و واحدهای تحلیل تعریف شدند. مشخصات کامل این فرم در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲) فرم برگه داده‌ها

ردیف	مقوله‌ها	تعداد واحدهای درسی	
		کارشناسی	کارشناسی ارشد
۱	مدیریت		
۲	آموزش و پرورش		
۳	فلسفه		
۴	جامعه‌شناسی		
۵	اقتصاد		
۶	روان‌شناسی		

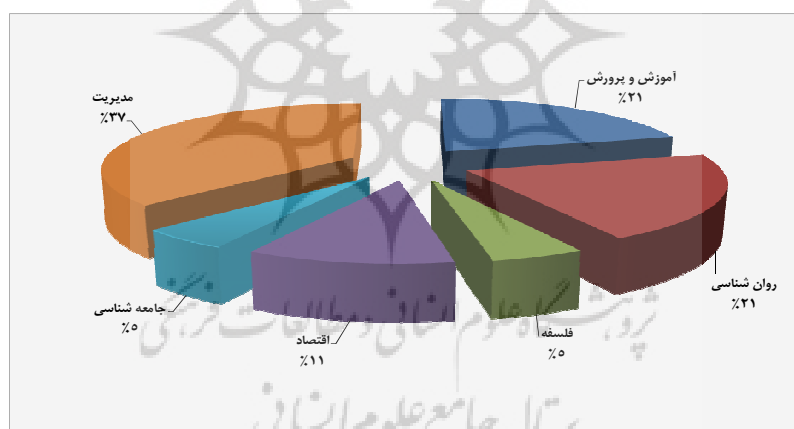
یافته‌ها

۱. توصیف جایگاه علوم مختلف در برنامه درسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی چنانکه در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، نتایج به دست آمده از تحلیل محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مصوب جلسه ۲۶۷ مورخ ۷۲/۸/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی، نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۵ واحد درسی اصلی و تخصصی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - بیشترین تعداد واحدهای درسی به حوزه مدیریت (۳۷ درصد) اختصاص داده شده است. سپس، مقوله‌های آموزش و پرورش و روان‌شناسی با نسبت

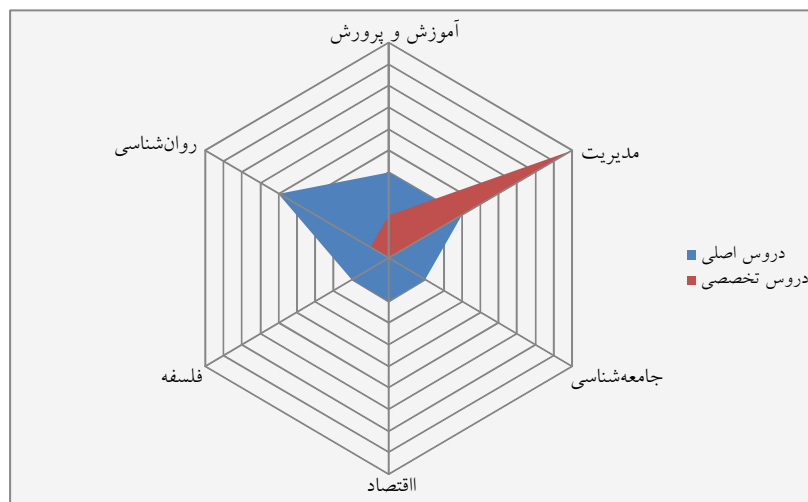
یکسان (۲۱ درصد)، اقتصاد (۱۱ درصد) و جامعه‌شناسی و فلسفه (۵ درصد) در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. در این میان، روان‌شناسی در مقایسه با سایر علوم زیربنایی دیگر مانند فلسفه و جامعه‌شناسی و ... سهم بیشتری از دروس را به خود اختصاص داده است. نمودار (۱) و (۲) توزیع واحدهای درسی اختصاص یافته به حوزه‌های علمی مرتبط در دوره کارشناسی و سهم علوم مختلف در دروس اصلی و تخصصی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - را به تصویر کشیده است.

جدول (۳) توزیع واحدهای درسی اختصاص یافته به دوره کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی

ردیف	مقوله‌ها	درصد واحدهای درسی اختصاص یافته به دوره کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی
۱	مدیریت	۳۷
۲	آموزش و پرورش	۲۱
۳	روان‌شناسی	۲۱
۴	اقتصاد	۱۱
۵	فلسفه	۵
۶	جامعه‌شناسی	۵



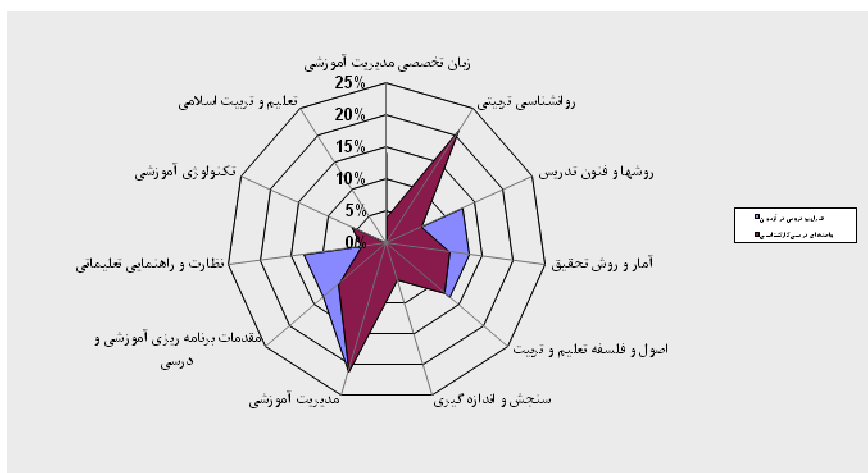
نمودار (۱) توزیع واحدهای درسی اختصاص یافته به حوزه‌های علمی مرتبط



نمودار (۲) سهم علوم مختلف در دروس اصلی و تخصصی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی

۲. تناسب بین تعداد واحدهای درسی دوره کارشناسی با ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد

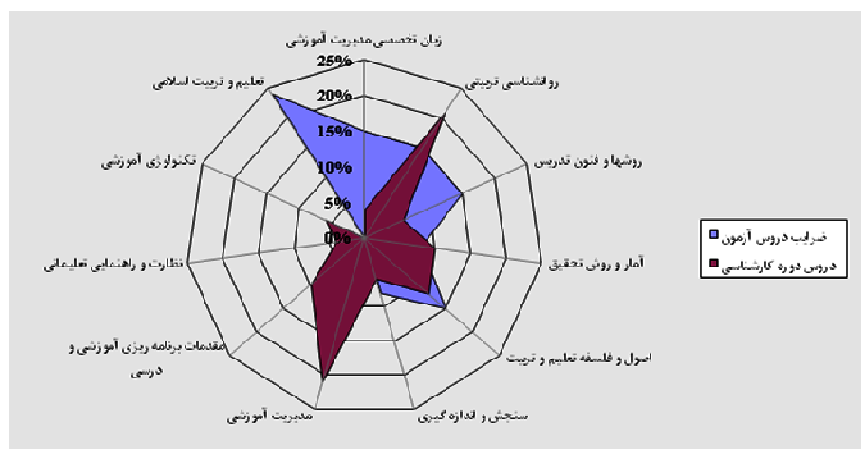
تحلیل نتایج حاکی از انطباق نسبی تعداد واحدهای درسی دوره کارشناسی با ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد فقط در دروس مربوط به مدیریت آموزشی است. چنانکه در نمودار (۳) ملاحظه می‌شود، بیشترین تعداد واحدهای درسی دوره کارشناسی به مدیریت آموزشی و روان‌شناسی اختصاص یافته است. در این میان، به رغم اختصاص ضریب بیشتر به درس نظارت و راهنمایی تعلیماتی و روش‌ها و فنون تدریس در آزمون کارشناسی ارشد، شواهد حاکی از عدم توجه اساسی به این دروس در دوره کارشناسی می‌باشد.



نمودار (۳) توزیع واحدهای درسی دوره کارشناسی و ضرایب مواد امتحانی آزمون

کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی

نظر به یافته‌های به دست آمده از مقایسه واحدهای گذرانیده شده در دوره کارشناسی با ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم، به‌رغم اهمیت قابل توجه درس تعلیم و تربیت اسلامی در ورود به کارشناسی ارشد این رشته نتایج حاکی از عدم تناسب بین تعداد واحدهای اختصاص یافته به درس تعلیم و تربیت اسلامی در دوره کارشناسی با ضرایب این درس در آزمون کارشناسی ارشد می باشد. در حالیکه، دانشجویان داوطلب به ادامه تحصیل در رشته فلسفه تعلیم و تربیت ناگزیر به گذراندن تعداد زیادی از واحدهای درسی مربوط به مدیریت آموزشی می باشند که در آزمون کارشناسی ارشد این رشته ضریبی بدان اختصاص نیافته است. در نمودار (۴) مقایسه توزیع واحدهای درسی دوره کارشناسی و ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت به تفصیل نشان داده شده است.



نمودار (۴) توزیع واحدهای درسی دوره کارشناسی و ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت

۳. پیوستگی بین دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم تربیتی

۳-۱. پیوستگی بین دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته مدیریت آموزشی

مروری بر عناوین و سرفصل‌های دروس دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی حکایت از وجود پیوستگی محتوایی نسبی بین دروس تخصصی این دوره با دوره کارشناسی دارد. به طوری که از مجموع ۲۳ واحد درسی مرتبط با موضوع مدیریت آموزشی در دوره کارشناسی ارشد، تقریباً ۱۰ واحد درسی آن (یعنی چهار درس تخصصی) در برنامه درسی دوره کارشناسی پیش بینی شده‌اند. لذا، بنا بر شواهد به دست آمده از بررسی برنامه درسی این دو دوره، می‌توان چنین استنباط کرد که پیوستگی محتوایی و موضوعی بین دروس این دو دوره به طور نسبی، صرف نظر از کیفیت محتوای برنامه درسی و سرفصل‌های آن، مورد توجه قرار گرفته است. اما پیوستگی بین دو دوره (کارشناسی و کارشناسی ارشد) با دوره دکتری تخصصی مدیریت آموزشی^۱، احتمالاً با نظر به غیرمتمرکز عمل کردن دانشگاه‌ها در تعیین

۱. در این مطالعه، برنامه درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی با برنامه درسی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تهران مقایسه شده است.

سرفصل‌ها، کمتر به چشم می‌خورد. عناوین واحدهای درسی تخصصی این سه دوره و میزان ارتباط و پیوستگی بین آنها در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴) واحدهای درسی تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته مدیریت آموزشی

دوره کارشناسی	دوره کارشناسی ارشد	دوره دکتری
اصول مدیریت آموزشی	اصول مدیریت آموزشی	تئوریهای مدیریت آموزشی
مدیریت اسلامی	اصول مدیریت اسلامی	مدیریت منابع انسانی
نظارت و راهنمایی آموزشی	نظارت و راهنمایی آموزشی	مدیریت تغییر در سازمان‌های آموزشی
مدیریت روابط انسانی در مدرسه	رفتار و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی	سازمان یادگیرنده
---	---	برنامه‌ریزی استراتژیک
---	---	سیاستگذاری در سازمان‌های آموزشی
---	---	مدیریت کیفیت جامع

۲-۳: پیوستگی بین دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت

به‌رغم وجود پیوستگی نسبی بین واحدهای درسی تخصصی مدیریت آموزشی سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که پیشتر بدان اشاره شد، در رشته فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان یکی از گرایش‌های تخصصی علوم تربیتی که در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برگزار می‌شود، شواهدی دال بر وجود پیوستگی محتوایی بین واحدهای درسی تخصصی این رشته در سه مقطع مشاهده نشد.

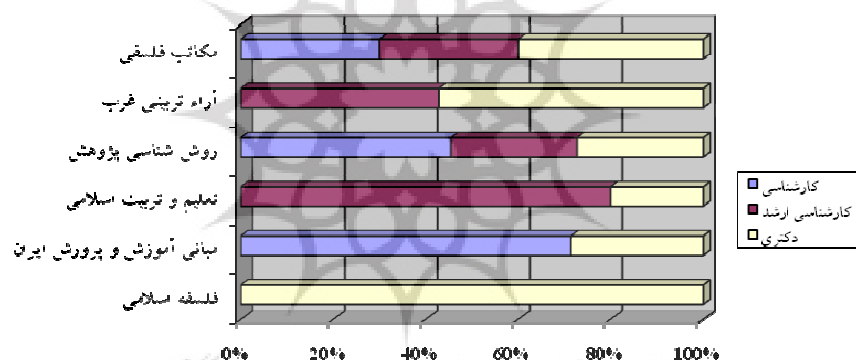
براساس طرح دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، جلسه ۲۶۷ مورخ ۷۲/۸/۳۰، برنامه آموزشی این دوره در سه فصل (مشخصات کلی، برنامه، سرفصل دروس) ارائه شده است. با نظر به اطلاعات جدول (۵) و نمودار (۵) ناپیوستگی بین سرفصل‌های دوره کارشناسی با سرفصل‌های دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت^۱، به ویژه در زمینه تربیت اسلامی و تاریخ اندیشه‌های تربیتی به خوبی نمایان است. همچنین لازم به ذکر

۱. در این مطالعه، برنامه درسی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مورد نظر بوده است.

است که دروسی مانند منطق قدیم و جدید اگرچه در فهرست دروس این دوره ذکر شده است، اما عملاً در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شود.

جدول (۵) واحدهای درسی تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت

دوره کارشناسی	دوره کارشناسی ارشد	دوره دکتری
فلسفه آموزش و پرورش	نظریات تربیتی مکاتب فلسفی	مکاتب فلسفی (۱) مکاتب فلسفی (۲)
---	تعلیم و تربیت اسلامی	تعلیم و تربیت اسلامی و فلسفه اسلامی
---	نظریات تربیتی ائمه اطهار	---
---	تربیت در نهج البلاغه	---
---	سیراء تربیتی غرب	سیراء تربیتی غرب (۱) سیراء تربیتی غرب (۲)
اصول و مبانی آموزش و پرورش و آموزش و پرورش تطبیقی	آموزش و پرورش تطبیقی (پیشرفته)	مبانی آموزش و پرورش ایران
---	منطق قدیم و جدید (۲)	روش‌شناسی پژوهش



نمودار (۵) توزیع دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت

همان‌گونه که در نمودار فوق ملاحظه شد، برخی دروس صرفاً در دوره دکتری ارائه می‌گردد و حال آنکه برخی دروس دیگر، مانند تعلیم و تربیت اسلامی بدون پیش زمینه‌های لازم در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در دوره دکتری سهم بیشتری از دروس را به خود اختصاص داده است.

نتیجه گیری

به رغم پیچیدگی وضعیت و پدیده‌های مربوط به قلمرو تربیت، ضرورت بهره‌گیری از علوم مختلف برای شناخت عوامل دخیل در تربیت و قوانین حاکم بر مجموعه نظام تربیت اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بررسی پیوند میان رشته علوم تربیتی-گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی- با علوم مختلف، هدف اصلی این مقاله بوده است. بنابراین، مجموعه دروس دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی- گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی- در شش مقوله اصلی روان‌شناسی، آموزش و پرورش، مدیریت، جامعه‌شناسی، اقتصاد و فلسفه طبقه‌بندی و سهم این علوم با نظر به تعداد واحدهای درسی اختصاص یافته در برنامه درسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از سهم نامتوازن این علوم در برنامه درسی این رشته است. به طوری که، سهم روان‌شناسی بیشتر از سایر علوم می‌باشد.

بررسی میزان انطباق تعداد واحدهای درسی دوره کارشناسی با ضرایب مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد، نشان داد که تعداد واحدهای درسی دوره کارشناسی با مواد امتحانی آزمون در رشته‌های مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت مطابقت ندارد. بنابراین، با تکیه بر ضرایب تعیین شده در آزمون کارشناسی ارشد، گذراندن تعداد واحدهای بیشتری از دروس فرعی به طور نمونه روان‌شناسی و عدم تجهیز به پایه‌های علمی موردنیاز و مختص رشته مورد علاقه (برای مثال، مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت) از مسایل اساسی مشاهده شده در برنامه درسی علوم تربیتی- گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی- به شمار می‌آیند.

این درحالی است که از دیدگاه متخصصان، علوم تربیتی به عنوان یک علم میان رشته‌ای باید دروس را در سه دسته علوم عرضه نماید: (۱) علوم عمومی که شرایط عمومی و محلی تربیت را مطالعه می‌کنند؛ (۲) علوم عمومی که اوضاع و وقایع تربیتی را چنانکه هستند، مطالعه می‌کنند؛ (۳) علوم عمومی که تفکر درباره تربیت و تحول آن را مطالعه می‌کنند (میالاره، ۱۳۷۵: ۱ و ۳). در مجموعه دروس ارائه شده در دو حوزه اصلی و تخصصی برنامه درسی علوم تربیتی، سهم عمومی که اوضاع و وقایع تربیتی را چنانکه هستند، مطالعه می‌کنند مانند روان‌شناسی و آموزش و پرورش در دروس پایه بیشتر از سایر دروس و سهم مدیریت به عنوان یکی از علوم عمومی که شرایط عمومی و محلی تربیت را مطالعه می‌کنند، در دروس تخصصی بیشتر از سایر دروس بوده و به علوم عمومی که تفکر درباره تربیت و تحول آن را مطالعه می‌کنند، توجه لازم مبذول نشده است.

بالا بودن سهم مدیریت و آموزش و پرورش به عنوان مبانی زیربنایی این گرایش برای ادامه تحصیل در رشته مدیریت آموزشی امری طبیعی به نظر می‌رسد. اما سهم اختصاص یافته به فلسفه، با توجه به امکان تحصیل در گرایش فلسفه تعلیم و تربیت در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری بسیار ناچیز است.

علاوه بر این، به رغم اهمیت قابل توجه درس تعلیم و تربیت اسلامی در ورود به کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، نتایج حاکی از آن است که این درس در دوره کارشناسی از جایگاه بالایی برخوردار نیست. این امر چالش جدی برای دانشجویان راغب به تحصیل در این رشته ایجاد کرده است. همچنین، اختصاص دو واحد به درس زبان تخصصی با محتوای مدیریت آموزشی و عدم تأثیر آن در آزمون کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشجویان این رشته را با مشکلاتی نظیر پایین بودن نمره زبان تخصصی به رغم تسلط در ترجمه و فهم زبان انگلیسی مواجه کرده است و در مجموع عدم توازن بین تعداد دروس و ضرایب این رشته با گرایش مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی آموزشی باعث شده تا همواره دانش‌آموختگان رشته‌های فوق به عنوان رتبه اول در آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد پذیرفته شده و از امتیازات دانشجوی نخبه و غیره استفاده نمایند. به طور کلی عدم توازن بین دروس ارائه شده در دوره کارشناسی با ضرایب آزمون، داوطلبان را به مطالعه انفرادی منابع مورد نیاز وادار نموده و ورود داوطلبان سایر رشته‌ها را به این رشته آسان و مشکلات ارائه دروس پیشنهاد و پایه و مباحث گاهاً تکراری را در این رشته افزایش داده است. در واقع تمایزی بین داوطلبان گرایش فلسفه تعلیم و تربیت با سایر گرایش‌های علوم تربیتی جز تعداد محدود واحدهای اختصاص یافته به فلسفه تعلیم و تربیت نمی‌باشد.

بنابراین، شواهد به دست آمده مبنی بر نسبت نامتوازن سهم علوم مختلف در رشته علوم تربیتی و عدم انطباق این دروس با ضرایب آزمون ورودی کارشناسی ارشد و ناپیوستگی محتوایی نسبی کمتر دروس دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مدیریت آموزشی، و ناپیوستگی محتوایی بیشتر در رشته فلسفه تعلیم و تربیت، ضرورت تاملی جدی در برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی - گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی - را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با رویکردی راهبردی برنامه درسی این رشته مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین، کوشش برای تدوین سازوکارهایی در جهت حذف یا اصلاح گرایش‌های موجود و معرفی رشته یا گرایش‌های جدید می‌تواند از اقدام‌های مهم در این زمینه باشد.

منابع

- پورظهير، تقی (۱۳۷۶). *مقدمه‌ای بر برنامه درسی و آموزشی*. تهران: انتشارات آگاه.
- تایلر، رالف (۱۳۷۶). *اصول اساسی برنامه درسی و آموزش*. ترجمه علی تقی‌پور ظهیر، تهران: انتشارات آگاه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۲). *چند مبحث اساسی در برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات سمت.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). *ارزیابی برنامه‌ریزی درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی) در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان، متخصصان و کارفرمایان، دانشکده علوم تربیتی*. دانشگاه شهید بهشتی.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۱). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات ایران زمین.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۰). *علوم تربیتی: ماهیت و قلمرو آن*. انتشارات سازمان سمت.
- مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی در جلسه ۲۶۷ مورخ ۷۲/۸/۳۰.
- مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی در جلسه ۲۹۲ مورخ ۷۳/۱۱/۹.
- ملکی، حسن (۱۳۸۰). *مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه*. تهران: انتشارات سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۳). *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: نشر پیام اندیشه.
- موسی پور، نعمت‌اله (۱۳۸۲). *مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- موسی پور، نعمت‌اله؛ شعبانی، بختیار (۱۳۷۶). *ارزیابی برنامه درسی مقطع دکتری رشته‌های علوم تربیتی در ایران*. مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- میلاوه، گاستون (۱۳۷۵). *معنی و حدود علوم تربیتی*. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Diane R. (2006). *National Standards in American Education A Citizen's Guide*. Washington DC: Broking.

Kelly, A.V. (2009). *The Curriculum: theory and practice*. 6th Ed. Thousand oaks: sage.